

حالا که قیمت دلار پایین آمده، کالاها باید ارزان شود؟

تهران (پانا) - یکی از مهم‌ترین موضوعات اقتصادی مورد بحث این روزها حتی در کوچه و بازار، موضوع کاهش نیافتن قیمت کالاها با وجود کاهش قیمت دلار و سایر ارزهای خارجی است. موضوعی که اگر به درستی تبیین نشود، می‌تواند به شکل‌گیری موج ضد تولیدی در کشور و مزاحمت‌های بیش از پیش برای بنگاه‌های صنعتی بینجامد.

به گزارش شرق، تا همین‌جا؛ جای کار هم عجالتاً قضیه به تشویق بانک مرکزی برای موفقیت در کنترل نرخ ارزهای خارجی و فشار و محاکمه رسانه‌ها و وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مسئول تولید کالاهای مورد نیاز جامعه به سبب کاهش و نیافتن قیمت‌ها منجر شده است و همان‌طور که عنوان شد بیم آن می‌آید که روند این حرکت به برخوردهای تعزیراتی با بنگاه‌های تولیدی گسترش یابد.

در این میان دفاع نامناسب دستگاه‌های مسئول در دولت از این وضعیت به سبب شاید ضعف در شناخت و تحلیل درست این مسئله اقتصادی به این مشکل دامن زده است.

واقع آن است که در باور عام رابطه تورم با نرخ ارز رابطه یک به یک است، چنان که گرانی کالاها ناشی از افزایش نرخ ارز است؛ بنابراین با توجه به روند کاهشی نرخ ارز (البته با اما و اگرهایی چرا که در بعضی کالاها اتفاقاً با تغییر نوع ارز از دولتی به نیمایی، ارز گران هم شده است و...)، قیمت کالاها نیز باید به تبع این باور کاهش یابد و حال که چنین نشده است، پس....

در حالی که رابطه صحیح و علمی این مسئله، مرتبط و بودن تورم با نقدینگی است؛ چنان که اولاً تورم، پدیده‌ای پولی و مالی و ناشی از سیاست‌های انبساطی و حجم نقدینگی و کسری بودجه دولت است. ثانیاً ارزش پول ملی در مقابل ارزهای خارجی نیز تحت تأثیر همین فضای تورمی قرار دارد؛ در نتیجه افزایش نرخ ارز معلول و نه علت تورم است.

در واقع نرخ ارز یک متغیر اقتصاد کلان است که تحولات بازارهای مختلف اقتصاد در آن ظاهر می‌شود و همچنین ارز به‌عنوان یک دارایی جایگزین پول به حساب می‌آید. مشکل آنجا بروز می‌کند که با توجه به اینکه دولت‌ها در ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین عرضه‌کننده ارز در دوره‌های مختلف در این بازار مداخله کرده و با عرضه بالای ارز، قیمت آن را کاهش داده‌اند و به این ترتیب حجم بیشتری از کالا وارد کشور شده است، این تصور ایجاد شده که این نرخ ارز است که قیمت کالاها را بالا و پایین می‌برد و تعیین می‌کند و نه حجم پول و نقدینگی!

چنین باور نادرستی، این امکان را فراهم می‌کند که باب برخورد با تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان کالا به بهانه گران‌فروشی گشوده و وضع تولیدکنندگان از این هم که هست بدتر شود.

آخرین گزارش بانک مرکزی از حجم ۱۸۸۸ هزار میلیارد تومانی نقدینگی تا پایان سال گذشته و رشد ۲۳ درصدی آن حکایت دارد. رقمی که قاعدتاً اکنون باید از ۲۰۰۰ هزار میلیارد تومان گذشته باشد و مقدار مطلق افزایش آن در سال جاری بیش از کل حجم نقدینگی موجود در اقتصاد تا پایان سال ۱۳۹۱ باشد (دکتر نیلی - ۹۸/۱/۱۰). از اقتصادی که این حجم از انباشت نقدینگی در آن وجود دارد و روزانه حدود هزارو ۳۰۰ تا هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان به این میزان اضافه می‌شود، طبعاً نمی‌توان انتظار کاهش تورم و قیمت کالاها را داشت، حتی اگر با روش‌های مختلف (انبساط عرضه و انقباض

تقاضا، خروج بازیگران بزرگ از بازار، فروشنده و شدن بازیگران خرد و افزایش چراغ خاموش سود بانکی و...)
قیمت ارز را پایین بیاوریم.

در واقع انتظار کاهش سطح عمومی قیمت و کاهش نسبی نرخ ارز، در وضعیت تورم بیش از ۴۰ درصدی کنونی و پیش و بینی همین ارقام تا پایان سال، انتظار معقولی نیست. برای کاهش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات یعنی تورم، علاوه بر حل بحران و های سیاسی و گشایش در ارتباطات جهانی و بالطبع افزایش توان ارزآوری کشور، در شرایط حاضر باید برای کاهش میزان نقدینگی و هدایت آن به سوی کارهای مولد اقدام کرد. مقصر و گران و فروش جلوه و دادن متولیان تولید و صنعت و تولیدکنندگان و اختصاص تسهیلات ارزان و قیمت به این حوزه و یا بگیر و ببند آنها به بهانه افزایش قیمت محصولات، راه و حل اصولی و اقتصادی نیست. این روش و افزایش رکود و به نفع نظام چند قیمتی و گسترش فساد و رانت نخواهد بود.